

## سیمای ریاکار دمکراسی غربی در بن بست

## پلنوم سی ام کمیته مرکزی حزب حکمتیست (خط رسمی) برگزار شد!

صفحه ۴

### آذر مدرسی

رفراندم در کریمه و عکس العمل مافیای رسانه های بورژوازی غرب بار دیگر سیمای ریاکار دمکراسی غربی و بن بست آن را تمام قد در مقابل جهانی که سده ها است آنرا تجربه میکند، به نمایش گذاشت.

بالاخره سازمان ملل هم بعنوان نماینده "جامعه بین المللی" رفراندم کریمه برای پیوستن به روسیه را به رسمیت شناخت و آنرا مغایر با دمکراسی و اتحاد و یکپارچگی اوکراین اعلام کرد.

پیش از آن البته دول فخریه غربی و "جامعه بین المللی" دولت فاشیستی پرو غرب در اوکراین را به رسمیت شناخته و همه سینه چاکان دمکراسی و دول غربی در حمایت از دولت نویای فاشیست در اوکراین بسیج شدند و حمایت خود از فاشیستهای اوکراینی را مخفی نکردند. بانک جهانی و صندوق بین المللی پول اعلام کردند که برای اورپایی شدن اوکراین میلیاردها دلار خرج میکنند، همزمان شیپور ریاضت اقتصادی در اوکراین به صدا در آمد. اگر حق انتخاب شاخص دمکراسی است، مردم کریمه در دمکراتیک ترین شکل خود به جدایی از اوکراین رای دادند. درد دول غربی چیست؟ یکپارچگی اوکراین؟! مردم کریمه در منگنه ماندن در اوکراین اروپایی شده، تحت حاکمیت فاشیستها و دنیای پر زرق و برق اروپایی با ریاضت اقتصادی مدل یونان و پیوستن به روسیه با وعده آزادی نیم بند و ادامه وضعیت اقتصادی فعلی و مافیای اقتصادی روسی، دومی را انتخاب کردند.

### ژنرال در لباس میش!



مظفر محمدی

کودتای ارتش به رهبری ژنرال سیسی پایان کار انقلاب مصر وشکست آن بود. انتخابات جدیدی که میشود پیشبینی کرد سیسی برنده آن است، جامعه مصر را به دوره جدیدی از تاریخ خود وارد می کند. علیرغم شباهت صورت مساله یعنی باز هم دخالت و تسلط ارتشیان بر جامعه، اما این بار با دوره های قبل و حکومت سابق نظامیان مصر از جمله حسنی مبارک تفاوت جدی دارد.

کارگران و مردم مصر انقلاب توده ای ضد استبدادی و آزادیخواهانه ای را پشت سر دارند. تجارب هفته ها و ماه ها تجمعات و تظاهرات های میلیونی را کسب کرده اند و برای مدتی طعم آزادی بی قید و شرط را چشیده اند. خیانت اسلامیت ها و از جمله رهبران راست اتحادیه ها و احزاب بورژوازی را با چشمان خود دیده اند و...

بورژوازی حاکم مصر، به رهبری سیسی نمی تواند این تاریخ را به سادگی بایگانی کرده و روند تاکنونی اداره سرمایه دارانه و سرکوبگرانه ی جامعه مصر را بدون دردسر ادامه دهد.

اما خطری که پیشروی جامعه قرار دارد، سرکوب اعتراضات توده های بیکار و گرسنه و ناراضی مصر به بهانه مقابله با جریانات ایدئولوژیک اسلامی است.

### کارگر و دستمزد

### جنگ دستمزدها با کدامین اسلحه؟



محمد فتاحی

مسئله تعیین دستمزد سالانه بحث تکراری هر ساله است. سرمایه داران در ایران سازمان یافته تر از همیشه، هر ساله تعرض شان گسترده تر و طبقه کارگر بی سازمان هم هر ساله عقب نشینی بیشتر.

در بحث فعالین و رهبران کارگری، در بحث هواداران رهایی کارگری و در بحث هر کس که نوکی به این مسئله میزند، در نهایت پیام شان به کارگر تکرار "باید متحد شد" است. این پیام اما عمر جامعه طبقاتی بین ستمدگان را دارد. نتیجتا پیام عموم متمرکز میشود روی اتحاد بطور مشخص؛ "باید تشکل مستقل کارگری ایجاد کرد تا طبقه کارگر متحد و مستقل زورش را به کرسی بنشانند و دستمزد شایسته هم بگیرد..."

صفحه ۳

صفحه ۳

# کارگران جهان متحد شوید

ارتش این رکن اساسی و تاریخی محافظ نظام به این بهانه هرگونه مطالبات آزادیخواهانه و رفاه طلبانه کارگران و و زحمتکشان بیکار و گرسنه و فقیر سرکوب می شود. بعلاوه این سرکوب به طرفداران اخوان محدود نمی گردد. هم اکنون تعداد زیادی از رهبران جنبش جوانان ۶ آوریل و کارگران و روشنفکران سکولار و مخالف دخالت ارتش، در زندان و یا تحت فشار و تعقیب قرار دارند. در فدای حاکمیت سیسی جلو هرگونه تحرک و اعتراض و صدای آزادیخواهی و برابری طلبی از طرف هر کارگر و زحمتکش و جوان و زن و گروه و سازمان کارگری و توده ای را خواهند گرفت.

کمونیست ها و سوسیالیست ها و رهبران رادیکال تشکل های کارگری و جوانان و زنان، قربانیان اصلی این سناریو هستند.

همچنین این روند نیروهای بیشتری از مردم فقیر و بیکار را به بدنه تشکیلات ارتجاعی اخوان المسلمین سوق می دهد. جنگ ایدئولوژیکی که سیسی و حکومت آینده اش بر علیه زحمتکشان تحت نام اعضا و هواداران اخوان راه انداخته است، مانع بسیار جدی بر سر راه مبارزه آزادیخواهانه و برابری طلبانه و عدالتخواهانه کارگران و زحمتکشان مصر است. محاکمات فرمایشی ۵۲۹ نفر بنام اخوانی ها و صدور احکام اعدام شان، در واقع تهدید کل جامعه مصر به تمکین و تسلیم در برابر اراده بورژوازی مصر برهبری نظامیان و برگرداندن سیستم اداره سرکوبگرانه و استثمارگرانه به جامعه است.

ارتش این رکن اساسی و تاریخی محافظ نظام سرمایه داری در مصر، تا کنون توانسته است و ستم جنسی را پراکنده کند، در صفوف توده های کارگر و زحمتکش تفرقه ایجاد کرده و دردناک تر اینکه بخشی از رهبری جنبش های کارگری و اجتماعی را متوهم ساخته و بزیر پرچم خود بکشاند. تقسیم جامعه به نیروهای مخالف و طرفدار موریسی، به سکولارها و مسلمانان و مسیحیان و غیره از جمله ی این شگرد ضد انقلابی، ضد مردمی و جنایتکارانه ی ارتش، این نهاد حافظ نظام سرمایه دارانه در مصر است.

قرار دادن کارگران و زحمتکشان انقلابی مصر در کنار ارتش علیه توده های زحمتکش طرفدار یا دنباله رو رهبری اخوان المسلمین تحت نام جبهه ی انقلاب و ضدانقلاب، دروغ بزرگ و خیانت بورژوازی به رهبری نظامیان علیه طبقه کارگر و مردم آزادیخواه مصر است.

اعتراض میلیونی و ایستادگی و مقاومت توده های کارگر و زحمتکش و نیروهای سکولار و مترقی در مقابل خواست و اهداف ضد انقلابی جنبش اسلامبستی سد بست. اما با واگذار کردن قدرت به ارتش بار دیگر، ناتوانی بخشهایی از رهبری جنبش های اجتماعی را در تحقق اهداف انقلاب نشان داد.

سازش و تسلیم رهبران غیرانقلابی و اصلاح طلب به دخالت نظامیان و سرکوب خونین مخالفان، جنبش عظیم اجتماعی ای که مبارک را بزیر کشید و شورای نظامیان به رهبری طنطاوی را به عقب نشاند، به ایجاد شکاف و

تشتت و سرگیجه در صفوف خود دچار کرده است.

نهایتاً، تشتت در صفوف جنبش های اجتماعی علیه دیکتاتوری و برای آزادی و رفاه، نتیجه هژمونی سیاست اصلاحگرایانه و نه انقلابیگری و براندازی نظام سرمایه داری و جارو کردن نهادهای قدرت این نظام از جمله ارتش، با یک قیام توده ای است.

همزمان و در ادامه ی این دوران پر تلاطم و متشتت، کماکان، خواست و آرزوهای آزادیخواهانه و برابری طلبانه در دل میلیون ها کارگر و زحمتکش و زن و جوان موج می زند. انقلاب مصر شکست خورده است، اما انقلابیگری و آن خواسته های انقلابی از بین نرفته است.

تن دادن به انتخاباتی که ژنرال سیسی با حمایت ارتش را به ریاست جمهوری می رساند، تن دادن به روند بیش از نیم قرن حاکمیت بورژوازی با دخالت مستقیم ارتش است.

در مقابل این سناریوی ضدکارگری و ضد انقلابی، خواست طبقه کارگر، سکولارها، جوانان و زنان برابری طلب مصر می تواند این باشد که، ارتش و ژنرال هایش به پادگان ها به پادگان ها برگردند. همه ی زندانیان سیاسی از جمله موریسی آزاد شوند. دولت موقت منحل و آزادی بی قید و شرط، آزادیهای سیاسی و اجتماعی، آزادی بیان و تجمع و تشکل و تظاهرات و اعتصاب، تامین و تضمین گردد.

**کمیته مرکزی و آرایش رهبری حزب**

**مصوب پلنوم ۳۰ کمیته مرکزی حزب حکمتیست (خط رسمی) مارس ۲۰۱۴**

هدف این طرح ارائه یک شکل مطلوب برای سازماندهی رهبری موثر و قوی با بالاترین راندمان کار است. تجربه دوره اخیر نشان داد که بدون یک رهبری متمرکز امکان جوابگویی به نیازهای این دوره حزب را نخواهیم داشت. وجود یک رهبری جمعی نشسته و متمرکز در یک جغرافیای واحد که بطور دائمی در راس حزب حضور دارد، رکن اصلی این طرح است.

۱- کمیته مرکزی یک ارگان پلنومی است. در فاصله دو پلنوم، کمیته رهبری منتخب پلنوم رهبری حزب را بر عهده دارد.

۲- پلنومهای کمیته مرکزی هر سه ماه یک بار برگزار میشود.

۳- رهبری حزب در فاصله پلنومها به عهده کمیته رهبری، جمعی منتخب از اعضا کمیته مرکزی به اضافه دبیر کمیته مرکزی، است. همه اختیارات رهبری حزب در فاصله دو پلنوم به کمیته رهبری منتقل میشود. تعداد اعضا کمیته رهبری نمیتواند بیش از یک سوم اعضا کمیته مرکزی باشد.

۴- کمیته رهبری، رهبری سیاسی- اجرایی حزب را بر عهده دارد. طراحی کلیه سیاستها،

# آزادی برابری حکومت کارگری

## سیمای ریاکار دمکراسی

دو قطب ارتجاع جهانی، مردم کریمه و طبقه کارگر آن را در منگنه انتخاب بین بد و بدتر قرار دادند. در دنیای امروز و در جامعه بورژوازی انتخاب بین بد و بدتر یکی از مکانیسم های اصلی حرکت سیاسی مردم و طبقه کارگر برای ادامه حیات و بقا خود است. مردم کریمه با رفراندوم خود اساسا به فاشیسم در اوکراین و ریاضت اقتصادی بانک جهانی نه گفتند و این انتخاب به مزاج دول فحیمه غربی خوش نیامده. انتخاب الحاق به روسیه، در حقیقت نه مردم کریمه به ماندن تحت حاکمیت فاشیسم پروغربی بود، عدم به رسمیت شناختن رفراندوم در کریمه به بهانه حفظ یکپارچگی اوکراین اعلام نابخشودنی دمکراسی غربی از این انتخاب است. به رسمیت شناختن رفراندوم کریمه حاکی از خشم و استیصال غرب از ناتوانی خود در عروج یا قدرتگیری فاشیسم زیر توپخانه تبلیغات ضد کمونیستی است.

یکبار دیگر لشکر دروغ گویان بین المللی به نام میدیا و متخصص و کارشناس و ... براه افتادند و به وقیحانه ترین شکلی کمپینی دروغین در مورد "بحرانی بودن" اوضاع اوکراین و کریمه، اشغال کریمه توسط

روسیه، خطر جنگ داخلی و ... به راه اندختند. موضوع این کمپین بحران سازی از مسئله کریمه است، مسئله ای که بخشی از خود بورژوازی غرب به آن اذعان دارد.

درست در چنین شرایطی "جامعه بین المللی" و سران دول "دمکرات و متمدن غربی" و دستگاه تبلیغاتی شان در مقابل حکم اعدام ۵۲۹ نفر در مصر، در مقابل سرکوب خشن و وحشیانه مردم در ترکیه، در مقابل فاجعه انسانی در سوریه، که همین دول فحیمه غربی مسبب آن اند، فقط "هشدار شدید" میدهند، "نگرانی" خود را اعلام میکنند، خواهان "تحقیق و جمع آوری اطلاعات" در مورد آنها میشوند و در نهایت با کمال شجاعت و در اوج خشم از این همه فجایع و سرکوب و کشتار توسط دوستان و متحدین خود در این کشورها اعلام میکنند در صورت ادامه این فجایع مشغول ارزیابی مجدد از رابطه خود با این دوستان و متحدین خود هستند.

بی علاقگی "جامعه بین المللی" و میدیای نوکر آن به این بحراناها و فجایع فقط و فقط به یک دلیل است. قرار نیست در دل این کشتارها، سرکوبها و فجایع، میان قطبهای ارتجاع بین المللی چیزی تعیین تکلیف شود. قطب نمای "جامعه بین المللی" و بانک جهانی و ژورنالیسم نوکر در بزرگی یا کوچک کردن

ابعاد هر بحرانی یا دامن زدن و بوجود آوردن ره بحرانی همین است. بسته به اینکه این یا آن رویداد در سناریوی رقابت های امپریالیستی دستمایه بحران سازی های آگاهانه شود و یا توازن و تعادل مورد علاقه را بوجود آورد، مهر دمکراتیک یا تعرض میخورد. جنگ داخلی در یوگوسلاوی و تجزیه آنان تا کودتای پینوشه در شیلی همگی سمبل دمکراسی میشوند. کودتای مصر عین دمکراسی است و رفراندوم کریمه غیر دمکراتیک، اشغال کویت توسط عراق تجاوز به خاک کشوری دیگر و حمله امریکا به عراق، برای تثبیت نظم نوین جهانی، عین دفاع از صلح و دمکراسی و امنیت در منطقه است. روزی در سیستم مختق ایران انتخابات "کودتا" است و روزی در همان سیستم مثلا انتخاب روحانی نشان روند دمکراتیزه شدن است.

تحولات در اوکراین، حمایت غرب از فاشیستهای اوکراینی، رفراندوم در کریمه و عدم به رسمیت شناسی آن توسط دول غربی یکبار دیگر بن بست ایدئولوژیک غرب و چهره ریاکار دمکراسی را در مقابل جهان متمدن قرار میدهد.

۳۱ مارس ۲۰۱۴

## کارگر و دستمزد

در بحث تشکل مستقل کارگری هم یک جنگ لفظی بین مدافعین سنت شورایی و سندیکایی تقریبا تمام کار است. در کنار این، در طول سال تقلاهای هر روزه بر سر این مسئله در هزاران مرکز کوچک و بزرگ کارگری بطور کاملا پراکنده در جریان است. نتیجه تمام این بحث ها و این تقلاهای پراکنده، پیشرفت هر روزه سرمایه و عقب نشینی هر روزه اردوی کار نتیجه نهایی است.

در تمام مباحث مربوط به اتحاد، تنها چیزی که غایب است، امکان ایجاد وحدت طبقاتی علیرغم حضور پررنگ استبداد و سرکوب و خفقان و ترس از بیکاریست. بدون این وحدت طبقاتی که پیشروی اش هر لحظه ممکن است، نه تشکل مستقل سازمان یافتنی است، نه پراکندگی درمان شدنی.

اولا سرمایه در ایران امکان تامین فضای باز برای تشکیل تشکل های مستقل کارگری را ندارد، به این دلیل ساده که در اینصورت تامین کار ارزان برای تولید و انباشت هر روز بیشتر سرمایه ممکن نیست. نه ابدال سرمایه بلکه ضرورت اقتصادی انباشت بیشتر و بیشتر سرمایه در جایی مانند ایران شرایط برده وار برای کارگر است. در ثانی وقتی تشکل صنفی و یا به اصطلاح مستقل و علنی کارگری به اسم اتحادیه هم برقرار است، جنگ مقاومت کارگر با قدرت سرمایه

پیشروی ندارد. اگر داشت در جاهایی از دنیای امروز که چنین تشکلات "مستقل" برقرار و دفاتر شان رسما باز است، کاری از پیش رفتنی بود. هزار و یک جا را میشود نشان داد که کارگر اتحادیه و سندیکا دارد ولی با بیکاری و فقر هر روزه روبروست و در مقابل سرمایه ناتوان است. علت این است که تشکل توده ای و علنی و پایدار کارگری هنوز تشکل مستقل کارگری نیست. در هر جایی نیست. تشکل مستقل بدون افق و استراتژی نیست. تشکل مستقل از بورژوازی، مستقل نیست. تمام طبقه کارگر ایران در سال ۵۷ تشکل های قدرتمند داشت و تسلیم افق جناح دیگر بورژوازی شد. طبقه کارگر لهستان تشکل اتحادیه ای قدرتمند داشت و در جنگ با بورژوازی حاکم ابزار به قدرت رساندن افق و تبدیل کلیسا و امریکا و بازار آزاد شد.

سوال این است که چه نوع اتحادی متضمن وحدت و استقلال طبقاتی در هر حالتی است؟ چگونه میشود با یا بدون دایر بودن تشکل علنی صنفی یا توده ای، اتحاد و استقلال طبقاتی را تامین و پیشروی در جنگ با بورژوازی را تضمین کرد؟ اینجاست که ما را به اتحاد بین رهبران کمونیست طبقه میرساند. این نوع اتحاد، مخفی با علنی، قادر به تامین وحدت طبقاتی و استقلال طبقاتی هر دو است. تشکل پایدار و علنی کارگری هم در آینده ایران تنها با اتکا به اتحاد و ایجاد تحزب کمونیستی رهبران و سازماندهندگان کارگری ممکن است.

آخرین بحث بعضی از فعالین تبعیدی کارگری در همین یکی دو ماه گذشته بر سر استقلال تشکل های کارگری از احزاب بود. دنیای طبقاتی چنین معجونی به خود ندیده است. تشکل مستقل کارگری که مستقل از سیاست و افق سیاسی و استراتژی احزاب سیاسی است، امروز هیچ کجای این جهان وجود ندارد. نداشته است و نخواهد داشت. تشکل علنی و پایدار و هر چند ظاهرا مستقل کارگری بدون تکیه دادن به افق و سیاست و استراتژی یک حزب روشن بین کمونیستی نه مستقل است و نه پیروز. مستقل نیست چون در هر حال افق پیش رو یا گذر از نظام حاکم است یا زندگی در چهارچوب آن. اگر افق عبور از نظام حاکم است، تامین این افق کار تشکل علنی و سندیکا و شورا و تعاونی نیست، کار حزب کمونیستی است. اگر افق پذیره شده و مقبول، ادامه حیات همین نظام است، چنین افقی را بورژوازی همیشه تامین میکند و تشکل "مستقل" هم اتوماتیک همین افق را از بدو تولد بلعیده است.

نه فقط در بحث دستمزد که در هر بحثی مربوط به پیشروی کارگری، بحث این است که کارگر با کدام ابزار قادر به تامین وحدت و استقلال طبقاتی خویش است؟ درجه بالا رفتن دستمزد و شرایط کار به درجه حرکت رهبران کمونیست کارگران در چنین جهتی است.

## پلنوم سی ام کمیته مرکزی حزب حکمتیست (خط رسمی)

### برگزار شد!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست (خط رسمی)

hekmatist.com

باید ایفا کند اشاره کرد. به دنبال اعضا کمیته مرکزی به جنبه های مختلف این بحث، به موانع و مشکلات تحزب کمونیستی طبقه کارگر و به راهکارها و چگونگی پیش برد آن پرداختند.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست  
(خط رسمی)

۳۰ مارس ۲۰۱۴ - ۱۱ فروردین ۱۳۹۳

دخالت حزب در سیاست ایران، تا حزب در داخل و کار تشکیلات ما، از کار ارگانهای تبلیغی حزب تا کار ما در خارج و کار حزب در کردستان پرداختند. سر انجام و بعد از بحثهای مفصل بر سر نقشه فعالیت کمیته مرکزی و اولویتهای بلند مدت و کوتاه مدت آن، سند پیشنهادی کمیته رهبری "اولویتهای حزب" با اکثریت آرا شرکت کنندگان به تصویب رسید و اجرای آن و تدقیق کار بخشهای مختلف تشکیلات بر اساس سند مصوب به کمیته رهبری منتخب پلنوم واگذار شد.

پلنوم سی ام کمیته مرکزی حزب حکمتیست (خط رسمی)، روزهای شنبه و یکشنبه ۲۹ و ۳۰ مارس ۲۰۱۴ (۹ و ۱۰ فروردین ۱۳۹۳) با شرکت اکثریت اعضا کمیته مرکزی برگزار شد.

پلنوم با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به یاد جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم شروع شد. نشست کمیته مرکزی بعد از تصویب آئین نامه و تعیین هیئت رئیسه، دستورات خود را تصویب کرد.

دستورات پلنوم کمیته مرکزی عبارت بودند از:

بحث بعدی نحوه کار رهبری و آرایش کمیته مرکزی بود که توسط خالد حاج محمدی معرفی شد. در این زمینه نیز کمیته رهبری از قبل طرح آرایش رهبری حزب را آماده و در اختیار کمیته مرکزی قرار داده بود. در این بحث هم معرف بحث و هم اعضا کمیته مرکزی به جنبه های مختلف نحوه کار کمیته مرکزی و آرایش آن پرداختند و سرانجام به اتفاق آرا طرح پیشنهادی کمیته رهبری را به تصویب رساندند. بر اساس این طرح کمیته مرکزی از میان خود هیئتی ۵ نفره شامل دبیر و چهار عضو کمیته مرکزی را انتخاب میکند که به عنوان کمیته رهبری حزب رهبری سیاسی- اجرایی حزب را در فواصل پلنوم های کمیته مرکزی پیش ببرند.

- ۱- حزب بعد از کنگره
- ۲- اولویتهای حزب
- ۳- نحوه کار کمیته مرکزی و آرایش رهبری حزب
- ۴- انتخابات

مبحث حزب بعد از کنگره توسط ثریا شهابی معرفی شد. این بحث اساسا نگاهی به کنگره هفتم حزب حکمتیست و جایگاه آن و همزمان نگاهی دوباره به موقعیت حزب و فرجه ها و امکاناتی بود که برای دخالت حزب در سیاست ایران موجود است. در این مبحث هم سخنران و هم اعضا کمیته مرکزی ضمن انگشت گذاشتن بر مولفه هایی از اوضاع سیاسی ایران و تحولات ایجاد شده، به اهمیت حضور قوی یک جریان کمونیستی و رادیکال در جامعه ایران انگشت گذاشتند. اعضا کمیته مرکزی یک بار دیگر به جایگاهی که حزب دارد، به امکاناتی که در اختیار داریم و به دریچه هایی که برای دخالت کمونیستها موجود است و به نقشی که در این دوره حزب حکمتیست میتواند ایفا کند تاکید کردند. اعضا کمیته مرکزی همزمان به فضای مثبت حزب و فعالین آن و آمادگی برای دخالتگری بیشتر و اهمیت کاری جدی در این دوره پرداختند.

در دستور انتخابات ابتدا آذر مدرسی به اتفاق آرا در پست دبیری کمیته مرکزی ایفا شد و سپس انتخابات برای اعضا کمیته رهبری صورت گرفت. بدین صورت علاوه بر دبیر کمیته مرکزی رفقا امان کفا، ثریا شهابی، خالد حاج محمدی و مظفر محمدی با اتفاق آرا به عنوان کمیته رهبری حزب برگزیده شدند.

پلنوم با اختتامیه آذر مدرسی کار خود را به پایان رساند.

پس از اتمام دستورات پلنوم سمیناری با عنوان تحزب کمونیستی طبقه کارگر و کمیته های کمونیستی از سری سمینارهای کمیته مرکزی به منظور بحث و تبادل نظر برگزار شد. در این مبحث ابتدا مظفر محمدی به عنوان معرف بحث بر نکات گری در این مبحث و بر نقشی که رهبری حزب حکمتیست

مبحث بعدی "اولویتهای حزب" بود که توسط آذر مدرسی معرفی شد. این بحث اساسا حول سندی بود که از قبل کمیته رهبری حزب در اختیار کمیته مرکزی گذاشته بود پیش رفت. در این بحث هم آذر مدرسی و هم اعضا پلنوم به اولویتهای اصلی این دوره حزب از نوع

رادپوشنا

Radio Neena

رادپو نینا هر شب ساعت ۸٫۳۰ تا ۹  
شب به وقت تهران از طریق ماهواره  
هاتبرد پخش میشود.

رادپو نینا را گوش دهید و آنرا به دوستان  
و آشنایان فود معرفی کنید.

[www.radioneena.com](http://www.radioneena.com)

نشریه حزب حکمتیست  
سر دبیر آذر مدرسی

حکمتیست  
هفتگی

تماس با سردبیر:

azar.modaresi@gmail.com

تماس با حزب حکمتیست:

hekmatistparty@gmail.com

[www.hekmatist.com](http://www.hekmatist.com)

حکمتیست هر دوشنبه منتشر میشود.  
حکمتیست را بفانید و آنرا وسیعاً توزیع  
کنید.

# زنده باد انقلاب کارگری